

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مباحث گذشته

بحث در بررسی نظریه مشهور در حقیقت انشاء است. بر این نظریه سه اشکال وارد شده بود که دو اشکال را جواب داده و گفتیم وارد نیست.

اشکال سوم این بود که طبق این نظریه، انشاء مختص به اموری که اعتبار در آنها راه دارد می‌شود، در حالی که امور انشائی مانند تمنی، ترجی، استفهام و طلب وجود دارند که اعتبار به آنها تعلق پیدا نمی‌کند و امور حقیقیه هستند و اسباب حقیقیه دارند.

جواب از اشکال سوم بر نظریه مشهور

در دفاع از مشهور می‌توان گفت: ارتکاز مساعد با این است که انشاء را به گونه‌ای تفسیر نماییم که دایره آن منحصر به معانی و امور اعتباری باشد.

توضیح مطلب این که از یک طرف در نظر عقلاء و شارع گاهی معانی اعتباریه با اسباب تکوینی تحقق پیدا می‌کنند؛ مانند ملکیت که ولو امری اعتباری است اما گاهی با حیازت و ارث نیز محقق می‌شود.

از طرف دیگر عقلاء و یا شارع متعال گفته‌اند باید راهی وجود داشته باشد که معانی اعتباریه با سببی غیر تکوینی محقق شود و لذا از طریق انشاء این کار را انجام می‌دهند.

تا اینجا سه اشکال بر نظریه مشهور وارد شد و به نظر ما هر سه قابل جواب بود؛ در نتیجه این که بگوئیم انشاء ایجاد معنی به سبب لفظ در عالم اعتبار است و لفظ مقتضی ایجاد نه علت تامه باشد، مواجه با اشکال نیست.

مبنای مرحوم آخوند (ره) و بررسی آن

مرحوم آخوند خراسانی (ره) در فائده اول و دوم از فوائد الاصول و همچنین در کفایة الاصول و در جهت چهارم از جهاتی که مربوط به ماده امر است، در مورد حقیقت انشاء مفصل بحث نموده‌اند.

ایشان می‌فرماید: انشاء کلامی است که متکلم به واسطه آن ایجاد معنی را در نفس الامر قصد می‌کند. سپس می‌فرماید: وجود انشائی مانند وجود خارجی، ذهنی، لفظی و کتبی، وجودی در عالم نفس الامر دارد.

توضیح مطلب این‌که ولو منطقیین یا فلاسفه وجود را به چهار قسم وجود خارجی، وجود ذهنی، وجود لفظی و وجود کتبی تقسیم نموده‌اند، اما مرحوم آخوند (ره) برای وجود قسم پنجمی به نام وجود انشائی قرار داده و می‌فرماید: وجود انشائی امری اعتباری، فرضی و یا خیالی نیست بلکه به حسب واقع نوع خاصی از وجود را دارد.

مثلاً بعد از این‌که شخص قاصد معنا اعم از این‌که عاقل، دیوانه، بالغ، صغیر، صبی، مالک و غیر مالک «بعثُ» و یا «إشتریت» گفت، علت تامه برای تحقق وجود انشائی یعنی ملکیت انشائیه در نفس الامر موجود می‌شود که این امر، امری اعتباری نیست و موضوع برای ملکیت اعتباری است که عقلاً یا شارع پس از وجود سایر شرائط آن را اعتبار می‌کنند.

در نتیجه طبق مبنای مرحوم آخوند (ره) در «بعثُ» و «اشتریت» دو ملکیت وجود دارد: الف- ملکیت انشائیه ب- ملکیت اعتباریه. ملکیت انشائیه موضوع برای ملکیت اعتباریه است و همواره با لفظ بعثُ که توسط متکلم متوجه بوجود می‌آید؛ همان‌گونه که مدلول تصویری قابلیت انفکاک از لفظ ندارد و زمانی‌که لفظ آمد مدلول تصویری نیز همراه آن می‌آید و موضوع له همراه آن است، ملکیت انشائیه نیز چنین است.^[1]

تفاوت مبنای مرحوم آخوند (ره) و مشهور

میان نظریه مشهور و مرحوم آخوند (ره) سه تفاوت وجود دارد:

تفاوت اول: نسبت به مبنای مشهور این اشکال وجود داشت که اگر انشاء ایجاد معنی به سبب لفظ در عالم اعتبار باشد، تکرار امر ولو انشاء است اما طبق این بیان نباید انشاء باشد؛ برای این‌که وقتی یک بار مولی بگوید «إضرب»، طلب ضرب در عالم اعتبار موجود شده‌است و چیزی که یک مرتبه موجود شد معنا ندارد مجدداً موجود شود.

مرحوم آخوند (ره) برای تفصی از این اشکال می‌فرماید: ولو گفتیم وجود پنجمی به نام وجود انشائی وجود دارد اما کسی اشکال نکند که وجود نیاز به تشخیص دارد و تشخیص مساوق با وجود است و تشخیص در امور خارجی به مشخصات فردی است و تشخیص در وجود ذهنی نیز مربوط به تصور کننده نمی‌شود، برای این‌که در جواب می‌گوئیم: برای وجود انشائی دو مشخص وجود دارد: الف- مُنشأ که عبارت از متکلم است. ب- الفاظی که متکلم به سبب آن‌ها انشاء را بیان نموده‌است. طبق این بیان اگر هر انشاء به کُرّات نیز تکرار شود، اشکالی که متوجه مشهور بود، متوجه آن نیست.

تفاوت دوم: نسبت به مبنای مشهور این اشکال وجود داشت که اعتبار به تمنی یا ترجی تعلق پیدا نمی‌کند در نتیجه نمی‌توانیم بگوئیم تمنی یا ترجی اعتباری داریم.

اما طبق مبنای مرحوم آخوند (ره) این اشکال مرتفع می‌شود و تمنی انشائی وجود دارد؛ به این بیان که مرحوم آخوند (ره) می‌فرماید: به محض این‌که لیت یا لعل گفته می‌شود، معنای تمنی و ترجی انشائی محقق می‌شود؛ در نتیجه حتی اگر در نفس شخصی تمنی و ترجی نیز وجود نداشته باشد، اما خود لیت و لعل، تمنی و ترجی انشائی است و لذا با این بیان آن‌چه در ادبیات آمده‌است تحکیم می‌شود.

در باب «صیغه إفعال» نیز مرحوم آخوند (ره) موضوع له را طلب انشائی می‌داند؛ یعنی در هر موردی که «صیغه إفعال» آمد، طلب انشائی نیز می‌آید خواه طلب واقعی داشته باشد یا خیر.

به بیان دیگر طبق مبنای مرحوم آخوند (ره) انشاء در امور واقعی جریان دارد. اما طبق نظریه مشهور انشاء مختص به امور

اعتباری است.

تفاوت سوم: طبق مبنای مرحوم آخوند (ره) وجود انشائی قبل از لفظ موجود نیست و زمانی که لفظ «بعث» از متکلم صادر شود، موجود می‌شود.

لذا گاهی اوقات در فرق میان انشاء و خبر طبق مبنای مرحوم آخوند (ره) می‌گویند: تفاوت مانند تفاوت بین کان تامه و کان ناقصه است؛ به این بیان که با لفظ، وجود انشائی موجود می‌شود اما در خبر ثبوت شیء لشیء یا عدم ثبوت شیء لشیء است که عنوان کان ناقصه را دارد.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

[1] □ «فاعلم انَّ الإنشاء هو القول الذي يقصد به إيجاد المعنى في نفس الأمر، لا الحكاية عن ثبوته و تحقّقه في موطنه من ذهن أو خارج، و لهذا لا يتّصف بصدق و لا كذب بخلاف الخبر، فإنّه تقرير للثّابت في موطنه و حكاية عن ثبوته في ظرفه و محلّه، فيتّصف بأحدهما لا محالة...» فوائد الاصول، ص: 17.